

مقایسه سه ترجمه انگلیسی قرآن «شاکر، آربری، صفارزاده» از سوره اعراف (مطالعه موردی ۱۵ آیه)

مرتضی خرمی^۱

سیده ام البنین تائبی^۲

چکیده:

مقاله حاضر درصدد است مقایسه‌ای کوتاه بین ترجمه‌های انگلیسی قرآن شاکر، آربری و صفارزاده صورت داده و لغزشگاه‌های احتمالی آن‌ها را با هدف دستیابی به ترجمه صحیح‌تر و دقیق‌تر فرادید قرار دهد. تأثیر مستقیم ترجمه در فهم صحیح قرآن کریم، خصوصاً برای آنها که با زبان عربی آشنایی کافی ندارند، از یک سو و ارائه ترجمه‌ای وفادار و وافی به مقصود از قرآن کریم به زبان‌های خارجی، ضرورت نقد ترجمه‌های موجود و برنمودن نقاط قوت و ضعف آن‌ها را بیش از پیش روشن می‌سازد. این تحقیق نشان می‌دهد که هر چند در سه ترجمه‌ی مورد پژوهش، اختلاف چشمگیری دیده نمی‌شود، اما در عین حال ترجمه خانم صفارزاده با انتخاب شیوه تفسیری در ترجمه، نسبت به دو ترجمه دیگر از امتیازات بیشتری برخوردار است؛ چرا که در عین سادگی و روانی، از معادل‌های مصطلح در انگلیسی امروزی، به خوبی استفاده کرده و ضمن رعایت ظرائف ادبی و بلاغی و پرهیز از واژه‌گزینی‌های عامیانه، با متن قرآن کریم مطابقت بیشتری دارد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، سوره اعراف، ترجمه، شاکر، آربری، صفارزاده.

۱- استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر. m.kh49@yahoo.com

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.

قرآن کریم کتاب آسمانی آخرین پیام‌آور وحی، از دیرباز مورد توجه ملل و تمدن‌های مختلف بوده و به همین خاطر، ترجمه قرآن به منظور آشنانمودن اقوام و ملل مختلف با حقایق و معارف بلند آن همواره یکی از ضرورت‌های تبلیغی به شمار می‌رفته است. پس از رنسانس در اروپا، قرآن کریم بارها به زبان‌های مختلف از جمله انگلیسی ترجمه گردید. به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم که دوران اوج ترجمه قرآن به انگلیسی تلقی می‌شود. از مترجمان مشهور قرآن به زبان انگلیسی در این قرن، می‌توان به افرادی چون ریچارد بل (Bell, Richard)، آرتور آربری (Arberry, A. j)، داود (Dawood, N. j)، محمد مارمادوک پیکتال (Pickthal, Mohammed Marmoduke)، شاکر (Shakir M. M) و تامس بالتین ایروینگ (Irving, T. B) اشاره کرد. در ایران نیز تلاش‌های متعددی برای ترجمه قرآن به زبان انگلیسی به عمل آمده است که در این میان می‌توان به ترجمه خانم طاهره صفارزاده، و ترجمه منظوم آقای فضل‌الله نیک‌آیین (چاپ امریکا) اشاره نمود.

البته هیچ یک از این ترجمه‌ها نتوانسته‌اند پیام الهی را آن گونه که ماهیت قدسی این کلام ماورایی اقتضای آن را دارد، انتقال دهند؛ چرا که به هر حال، ترجمه یک کار بشری است و فرآورده بشری هیچ‌گاه خالی از نقصان نبوده و نیست. به همین سبب است که نقد سازنده ترجمه‌های قرآن با هدف بهبود فن ترجمه و دستیابی به آرمان ترجمه‌ای بی‌عیب از قرآن کریم، به عنوان شاخه‌ای نو از دانش‌های قرآنی، از جذابیت‌های لازم علمی برای پژوهشیان برخوردار است. در این میان، نقد ترجمه‌های اروپایی و به ویژه انگلیسی قرآن، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که این ترجمه‌ها علاوه بر این که طیف گسترده‌ای از مخاطبان را در مناطق مختلف جهان پوشش می‌دهند، اصلی‌ترین منبع قابل دسترسی ایشان به آموزه‌های اسلامی می‌باشند و لذا هر گونه ابهام یا اشتباه در برگردان واژه‌ها و مفاهیم قرآنی در این ترجمه‌ها می‌تواند آثار زیان‌بار و جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. لذا این جستار بر آن است با مقایسه‌ای کوتاه بین سه ترجمه انگلیسی از قرآن کریم یعنی شاکر، آربری و صفارزاده، چالش‌های فراروی مترجمان قرآن (به انگلیسی) را در سطوح واژگانی و ساختاری، در پیشدید محققان قرار دهد. دلیل انتخاب سوره اعراف نیز طولانی بودن سوره است که علی‌القاعده نکات ادبی و لغزشگاه‌های ترجمه‌ای در آن قابل ملاحظه‌تر است. برای به دست دادن معنای اولیه آیه، از ترجمه فارسی فولادوند استفاده شده و برای سهولت بیشتر، واژه‌های مقایسه‌شده در هر مورد، در داخل جدولی قرار گرفته است.

۱- كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (۲)

کتابی است که به سوی تو فرو فرستاده شده است- پس نباید در سینه تو از ناحیه آن، تنگی باشد- تا به وسیله آن هشدار دهی و برای مؤمنان پندی باشد.

شاکر:

A Book revealed to you so let there be no straitens¹ in your breast on account of it [if the unbelievers deny it] that you may warn thereby, and a Reminder close to the believers.

آربری:

A Book sent down to thee so let there be no impediment² in thy breast because of it to warn thereby, and as a reminder to believers.

صفارزاده:

[O, Messenger!] This [Holy] Book is sent down to you, so do not let your Heart be depressed³ [by problems Related to your Mission], since you Warn by it [the wrongdoers] and [it is Also] a Reminder to the believers.

صفارزاده	آربری	شاکر	مترجم واژگان
sent down	sent down	revealed	انزل
depressed	impediment	straitness	حرج

اُنزَلَ:

راغب اصل معنی «نزول» را «انحطاطاً من علو» دانسته است. (راغب اصفهانی، ص ۵۰۹) با توجه به این نکته، معادل «sent down» در ترجمه آربری و صفارزاده که به معنای فرو فرستادن از بالا به پایین است، مناسب‌تر است و واژه «reveal» که به معنای مکاشفه، الهام و وحی است، در واقع معادل «أوحی» است نه «انزل».

1- (also straits) [plural] (especially in the names of places) a narrow passage of water that connects two seas or large areas of water.

2 - (to sth) (formal) something that delays or stops the progress of sth ; obstacle.

3- very sad and without hope.

حرج:

راغب در مفردات، اصل معنی «حرج» و «حراج» را «مجمع الشیء» یعنی مکان اجتماع اشیاء دانسته است که نوعی ضیق در آن به ذهن متبادر می‌شود و به همین خاطر به تنگی و گناه، «حرج» گفته‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۱۱) صاحب مجمع‌البیان برای این آیه، سه معنا را احتمال داده و در تبیین نخستین معنا که از حسن بصری نقل کرده است، می‌نویسد: «باید بر اثر پراکندگی فکر در سینه تو تنگی نباشد و ترس از این که نمی‌توانی به وظیفه تبلیغ، به خوبی عمل کنی را از دل خود بیرون سازی، زیرا بیش از انداز، چیزی بر عهده تو نیست.» (طبرسی، ۴/۶۱۰)

حال از میان معادل‌های ارائه‌شده که «حرج» را به ترتیب به: «straitness» به معنای تنگنا و تنگه؛ «impediment» به معنای محذور و مانع؛ و «depressed» به معنای بسیار ناراحت و ناامید برگردانده‌اند، به نظر می‌رسد ترجمه شاکر درست‌تر و به مفهوم آیه نزدیک‌تر است.

نکته دیگر آنکه جمله «لَتُنذِرَ بِهِ» نتیجه انزال کتاب تلقی شده و از نظر ادبی، متعلق به آن است؛ نظیر جمله «وَ ذِکْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ» که آن هم نتیجه دیگری است برای نزول کتاب؛ و این که فقط «ذکری» را اختصاص به مؤمنین داده دلیل بر این است که انذار اختصاص به آنان نداشته، بلکه هم مؤمنان و هم غیرمؤمنان را شامل می‌شود. (طباطبایی، ج ۸، ص ۸) بنابراین افزودن قید the wrongdoers در ترجمه خانم صفارزاده (ولو به صورت توضیحی)، خواننده را از مراد واقعی جمله دور ساخته و چنین می‌نمایاند که انذار ویژه کافران است؛ در حالی که با توضیح یادشده، انذار در عبارت «لتندر به» همه افراد اعم از مؤمن و کافر را شامل می‌شود.

۲- اَتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ (۳)

آنچه را از جانب پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده است، پیروی کنید و جز او از معبودان [دیگر] پیروی نکنید. چه اندک پند می‌گیرید!

شاکر:

Follow what has been revealed to you from your Lord and do not follow guardians¹ besides Him How little do you mind

1 - a person who protects sth; a person who is legally responsible for the care of another person, especially a child whose parents have died.

آربری:

Follow what has been sent down to you from your Lord, and follow no friends other than He little do you remember.

صفارزاده:

[O, men!] Follow what has been Sent down to you from your Creator and Nurturer and do not follow Guardians other than Allah. It is very little that you people benefit from Admonition.

صفارزاده	آربری	شاكر	مترجم واژگان
Creator and Nurturer	Lord	Lord	رب
Guardians	Friends	guardians	أولياء

رب:

واژه «رب» یکی از کلمات پرکاربرد قرآنی است که بالغ بر ۹۸۰ بار به صورت‌های گوناگون (رب، ربنا، ربکم، ...) در قرآن کریم به کار رفته است. لذا ترجمه دقیق آن - که بار معنایی واژه را به‌طور کامل‌تری در زبان مقصد افاده نماید - از اهمیت خاصی برخوردار است.

راغب درباره معنی این کلمه می‌نویسد: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ التَّرْبِيَةُ وَهُوَ انْشَاءُ الشَّيْءِ حَالًا فَحَالًا إِلَى حَدِّ التَّمَامِ» (راغب اصفهانی، ۱۸۹) بر این اساس، محققان گفته‌اند: ربوبیت سوق دادن اشیاء به سمت کمال آن است و ربّ کسی است که شأن او سوق دادن اشیاء به سوی کمال و تربیت آنها باشد و این صفت به صورتی ثابت در او باشد. (جوادی آملی، ۱/۳۳۱) طبرسی در تفسیر سوره حمد چند معنی از جمله: سرور مُطاع، مالک، صاحب، مربّی و مصلح برای ربّ نقل کرده و گوید: این کلمه بدون قید و به‌طور مطلق جز بر باریتعالی اطلاق نمی‌شود ولی به‌صورت مضاف و مقید برای غیرخدا نیز به‌کار می‌رود. (طبرسی، ۱/۹۵)

با توجه به توضیحات یادشده، معادل‌گزینی برای کلمه «رب» در ترجمه صفارزاده که معنای «آفرینش» و «پرورش‌دادن» را توأمًا در بردارد، از «Lord» که صرفاً خالقیت را می‌رساند، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. نکته قابل توجه آنکه خانم صفارزاده این معادل یعنی: «Creator and Nurturer» را در سراسر قرآن برای واژه «رب» به‌کار برده است.

اولیاء :

شیخ طوسی ذیل آیه «الله ولیّ الذین آمنوا» (البقره، ۲۵۷) می نویسد: «

یعنی: «ولیّ» به کسی اطلاق می شود که از دیگران در تدبیر امری، اولی باشد. واژه های «والی»، «مولی»، «پسرعمو» و «سرپرست یتیم» همه به این معنا اشاره دارند. (طوسی، ۳۱۴/۲) ابن منظور نیز برای «ولیّ» به عنوان یکی از اسماء باری تعالی، دو معنای: «ناصر» و «متولیّ امور هستی و آفریدگان» را در نظر گرفته است. (ابن منظور، ۴۰۷/۱۵)

با توجه به موارد یادشده، ترجمه شاکر و صفارزاده مناسب تر به نظر می رسد؛ چرا که کلمه guardians به معنای محافظ، قیّم و سرپرست است؛ در حالی که friend به معنی دوست است و به طور کامل معنای واژه «ولیّ» را منتقل نمی کند.

۹۸۷! ۸۰, : 1 ' ! 234 #56* ! #%&! *+! ' - : ! * - ۳

و چه بسیار شهرها که [مردم] آن را به هلاکت رسانیدیم، و در حالی که به خواب شبانگاهی رفته یا نیمروز غنوده بودند، عذاب ما به آنها رسید.

شاکر:

And how many a town that We destroyed, so Our punishment ^۱ came to it by night or while they slept at midday.

آربری:

How many a city We have destroyed! Our might ^۲ came upon it at night, or while they took their ease in the noontide.

صفارزاده:

How many towns We destroyed [Because of their sinners]; Our Torment ^۳ took them suddenly by Night or while they slept for their Mid-day rest.

1- rough treatment.

2- great strength, energy or power.

3- extreme suffering, especially mental suffering; a person or thing that causes this (to make sb suffer very much).

صفا‌رزاده	آبروی	شاكر	مترجم واژگان
slept for their midday rest	took their ease in the noontide	slept at midday	قائلون
torment	might	punishment	بأس

در این آیه شریفه، چند مطلب خودنمایی می‌کند:

نخست آنکه باید توجه داشت که «قائلون» از ریشه «قیل» به معنی خواب نیم‌روزی می‌باشد نه از «قول» به معنی گفتن؛ که خوشبختانه هر سه مترجم به این نکته صرفی توجه داشته‌اند. از این ریشه، واژه «مقیل» به معنی موضع استراحت هم در قرآن آمده است: (طریحی، ۴۵۹/۵) «اصحاب الجنة يومئذ خیر مستقراً و احسن مقیلاً» (الفرقان، ۲۴) یعنی: آن روز، جایگاه اهل بهشت بهتر و استراحتگاهشان نیکوتر است.

مطلب بعدی درباره واژه «بأس» است که راغب آن را به «الشدة و المکروه» معنی کرده و کاربرد آن را بیشتر در عقوبت و کیفر دانسته است. (راغب اصفهانی، ۳۲) لذا به نظر می‌رسد دو واژه punishment (به معنی تنبیه) و torment (به معنی عذاب شدید) برای برگردان «بأس» از might (به معنی قدرت، انرژی یا توان بزرگ) مناسب‌تر باشد.

واژه بعدی در این آیه، «قریه» به معنی دهکده، روستا، شهر است که ۵۷ بار در قرآن هم به صورت مفرد و هم به صورت جمع (قری) بکار رفته است. (جفری، ۳۳۱) راغب می‌گوید: «قریه» اسمی است برای جایی که مردم در آنجا گرد می‌آیند و برای مردم و ساکنان یک مجتمع هم بکار می‌رود؛ مانند آنکه فرمود: «واسأل القرية» که بیشتر مفسران معتقدند یعنی از اهل قریه پرس؛ و برخی از ایشان بر این باورند که «قریه» در اینجا به معنی خود مردم است. (راغب اصفهانی، ۴۱۷) روشن است که در این صورت، لازم نیست مانند برخی از محققان به وقوع استعاره (صباغ، ۲۳۷) یا در تقدیر گرفتن کلمه «اهل» معتقد باشیم.

به هر حال، از میان مترجمان، شاكر و صفا‌رزاده واژه «town» به معنی شهر کوچک را برای «قریه» برگزیده‌اند که نسبتاً مناسب‌تر از «city» است؛ و خانم صفا‌رزاده ظاهراً با آوردن تعبیر (Because of their sinners) نیم‌نگاهی به مسأله استعاره در اینجا داشته است.

و در آن روز، سنجش [اعمال] درست است. پس هر کس میزان‌های [عمل] او گران باشد، آنان خود رستگارانند.

شاکر:

And the measuring out on that day will be just then as for him whose measure (of good deeds) is heavy, those are they who shall be successful)

آربری:

The weighing that day is true he whose scales are heavy they are the prosperers)

صفارزاده:

The weighing on the Day [of Resurrection] is the true weighing: As For those whose scale of good deeds is Heavy, they will certainly receive Salvation.

صفارزاده	آربری	شاکر	مترجم واژگان
the weighing	the weighing	the measuring	وزن
receive Salvation	prosperers	successful	مفلحون

در این آیه، بسته به جای تکیه آوایی (stress)، معنا متفاوت می‌شود:

اگر تکیه بر «الحق» باشد، «وزن» به معنای میزان یعنی ابزار سنجش خواهد بود و معنی آیه می‌شود: «حقّ وسیله سنجش اعمال است» و اگر تکیه بر «الوزن» باشد، کلمه «وزن» مصدر به معنای سنجش و اندازه‌گیری و «الحقّ» به معنای ثبوت و تحقق خواهد بود و معنای آیه می‌شود: «ارزیابی اعمال در قیامت حتمی است.» (جواهری، ۹۳)

هر یک از این دو برداشت در میان مفسران و مترجمان، طرفدارانی دارد. از مفسران، کسانی چون مقاتل بن سلیمان در تفسیرش (۳۰/۲)، طوسی در التبیان (۳۵۲/۴)، زمخشری در کشاف (۸۸/۲ و ۸۹)، طبرسی در مجمع البیان (۶۱۶/۴)، مراغی در تفسیرش (۱۰۶/۸) و علامه طباطبایی در المیزان (۱۰/۸) معنای نخست و سورآبادی در تفسیرش (۷۳۲/۲)، مظهری در تفسیرش (۳۲۷/۳)، بروسوی در روح البیان (۱۳۷/۳) معنای دوم را برگزیده‌اند. از مترجمان نیز آقایان: انصاریان، سراج، قرایی و محمدسرور

به معنای اول، نظر داشته‌اند و کسانی چون آقایان فولادوند، الهی قمشه‌ای، بروجردی و انصاری به مصدری بودن «وزن» تصریح نموده‌اند.

مرحوم علامه طباطبایی پس از بحثی طولانی ذیل این آیه می‌نویسد: «بنابراین، بسیار به نظر قریب می‌رسد که مراد از جمله «وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ» این باشد که آن میزانی که در قیامت، اعمال با آن سنجیده می‌شود، همانا «حق» است؛ به این معنا که هر قدر عمل مشتمل بر حق باشد، به همان اندازه اعتبار و ارزش دارد؛ و چون اعمال نیک مشتمل بر حق است، از این رو دارای ثقل است. بر عکس عمل بد از آن جایی که مشتمل بر چیزی از حق نیست و باطل صرف است، لذا دارای وزنی نیست؛ پس خدای سبحان در قیامت اعمال را با «حق» می‌سنجد و وزن هر عملی به مقدار حقی است که در آن است.... بنا بر این، «وزن» در آیه مورد بحث، به معنای ثقل است نه به معنای مصدریش (سنجیدن).» (طباطبایی، ۱۱/۸-۱۲)

به هر حال، از میان ترجمه‌های مورد بحث، به نظر می‌رسد خانم صفارزاده بیش از دو تن دیگر به این معنا توجه داشته است؛ کما اینکه در ترجمه فارسی‌اش همین‌گونه ترجمه کرده است.
مفلحون:

ابن منظور می‌نویسد: «I < JGH! < @; < #< O #< M < 4#< K <» (ابن منظور، ۵۴۷/۲)
یعنی: فلاح به معنی رستگاری و نجات و دوام نعمت و خیر است. بنابراین معادل‌های *salvation* و *receive* و *prosperers* که به ترتیب به معنی: «رسیدن به رستگاری و نجات» و «کامیابی» است، از «successful» به معنی «موفق» بهتر است. ضمن آنکه شاکر و صفارزاده جمله «اولئک هم المفلحون» را به صورت آینده ساده ترجمه کرده‌اند که با معنای اسم فاعل - که بر حال و آینده دلالت می‌کند- همخوانی دارد. همچنین آنها به کاربرد ضمیر فصل «هم» در القاء معنی تأکید، توجه داشته‌اند؛ در حالی که این نکته در ترجمه آربری مشاهده نمی‌شود.

۵ - قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (۱۲)

فرمود: «چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را بازداشت از اینکه سجده کنی؟» گفت: «من از او بهترم. مرا از آتشی آفریدی و او را از گل آفریدی.»
شاکر:

He said: What hindered you so that you did not prostrate¹ when I commanded you? He said: I am better than he: Thou hast created me of fire, while him Thou didst create of dust.

¹-lying face downwards ,esp, in worship

آربری:

Said He, What prevented thee to bow¹ thyself, when I commanded thee?
Said he, I am better than he; Thou created me of fire, and him Thou created
of clay.²

صفارزاده:

Allah stated:" What prevented you [O, Iblis] that you did not bow down
When I Commanded you [to do so]?" Iblis said:" I am far better than him
You created me from fire and created Him from clay.

صفارزاده	آربری	شاکر	مترجم واژگان
bow down	bow	prostrate	سجد
clay	clay	dust	طین

سجد:

با توجه به حالت و هیأت خاصی که با شنیدن کلمه «سجود» به ذهن متبادر می‌شود، به نظر می‌رسد «prostrate» معادل مناسب‌تری برای «سجود» باشد؛ چرا که «bow» به معنای خم شدن، دولاشدن و تعظیم کردن است و بهتر است معادل «رکوع» قرار گیرد؛ کما اینکه هر سه مترجم در عبارت «وارکعوا مع الرّاکعین» (۴۳ البقره) از معادل «bow» استفاده کرده‌اند.

طین:

طین، خاک مختلط با آب است. (راغب اصفهانی، ص ۳۲۳) بنابراین clay (به معنی گِل) معادل مناسب‌تری از «dust» (به معنای خاک و غبار) می‌باشد.

۶- قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (۱۶)

شاکر:

He said: As Thou hast caused me to remain disappointed I will certainly lie
in wait for them in Thy straight pat

آربری:

Said he, Now, for Thy perverting me, I shall surely sit in ambush for them
on Thy straight pat

1- bend forward as a sign of respect or as a greeting.

2- earth from which bricks, pots, etc, are made.

Iblis said: " As you strayed me [By depriving me from Your Guidance] Surely, I will lie in wait for those who Believe in Your Straight Path."

صفارزاده	آبری	شاکر	مترجم واژگان
strayed me	perverting me	caused me to remain disappointed	اغویتنی

«غی» و «غوايه» یکی از دشوارترین و بحث‌برانگیزترین واژگان قرآنی در برگردان به فارسی یا هر زبان دیگری است؛ خصوصاً وقتی که مانند این آیه به خداوند یا یکی از پیامبران الهی مانند حضرت آدم (طه آیه ۱۲۱) نسبت داده شود؛ چرا که عموماً با ضلالت و گمراهی یکسان فرض می‌شود. در حالی که بنا به نظر محققان، «غی» هدایت به سوی شرّ و فساد و مرتبه ضعیفتری از گمراهی و مقدمه آن است؛ نه خود شرّ و فساد و گمراهی. لذا نسبت «اغواء» به خداوند به معنی دلالت و سوق دادن او به سمت شرّ و فساد است؛ بعد از آنکه موجود مختار با اختیار خود، راه صحیح را برنگزید و شرّ و گمراهی را اختیار نمود. (مصطفوی، ۲۸۷/۷) حال مترجم در مجال کوتاه ترجمه، چگونه باید این معنا و تفاوت آن با گمراهی را بنماید؟ از میان سه ترجمه مورد بحث، آبری و صفارزاده معنای مسامحه‌آمیز «انحراف و گمراهی» را برای این لفظ در نظر گرفته‌اند و شاکر که گویا متوجه نادرستی این انتساب به خداوند متعال شده است، آن را به «نومیدی» که از لوازم غوایت است، برگردانده است. مترجمان فارسی‌زبان نیز در برگردان این واژه همداستان نیستند؛ برخی چون آیت‌اله مکارم و الهی‌قمشه‌ای معنای «گمراهی» را برای آن برگزیده‌اند؛ برخی مانند فولادند و گرمارودی تعبیر مناسب‌تری مثل: به بیراهه افکندی، بیراه نهادی و ... برای این واژه پیشنهاد کرده‌اند و برخی دیگر مانند آیتی و پورجوادی واژه نومیدی (از رحمت خدا) را در ترجمه به کار برده‌اند.

۷- فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ (۲۲)

پس آن دو را با فریب به سقوط کشانید...

شاکر:

Then he caused them to fall by deceit...

آبری:

So he led them on by delusion ...

Thus, he caused them fall by Delusion;

صفارزاده	آبروی	شاکر	مترجم واژگان
caused to fall	led	caused to fall	دلی

یکی از لغزشگاه‌های مترجمان، کلمه «دلی» در این آیه است. با اندکی دقت معلوم می‌شود که «دلی» ماضی باب تفعیل از ریشه «دلی» (ناقص یائی) است و مضارع و مصدر آن به ترتیب: «یُدلی» «تدلیه» می‌باشد. در حالی که برخی مترجمان مانند آبروی، به اشتباه آن را از ریشه ثلاثی مجرد «دل» یَدُلُّ دَلَالَةً» به معنی راهنمایی گرفته‌اند.

بنابر این «دَلَّاهما» در آیه شریفه به این معناست که شیطان آدم و حوا را به لغزش و سقوط کشانید و منظور، ساقط کردن از اراده و تصمیم می‌باشد؛ یعنی از تصمیمشان که می‌خواستند نخورند برانداخت و خوردند. به عبارت دیگر، «دلی» در این آیه به معنای مجازی «کشاندن کسی به راه خطا» بکار رفته است. (صباغ، ۱۷۷)

این مثال، اهمیت توجه به اشتقاق واژه‌ها در ترجمه صحیح را به خوبی نشان می‌دهد.

۸- یا بَنی آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَاتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ (۲۶)

ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست اما لباس پرهیزگاری بهتر است! این‌ها (همه) از آیات خداست، تا متذکر (نعمتهای او) شوند!

شاکر:

O children of Adam! We have indeed sent down to you clothing¹ to cover your shame, a (clothing) for beauty" And clothing that guards (against evil); that is the best" This is of the Communications of Allah that they may be mindful.

1 - clothes, especially a particular type of clothes protective clothing

آربری:

Children of Adam! We have sent down on you a garment¹ to cover your shameful parts and feathers and the garment of god fearing that is better that is one of God's Signs; haply they will remember.

صفارزاده:

And [Allah declared:] O, Children of Adam! We have sent down to you a Garment to cover your shame [and your Body] and which is used also as an Adornment²; but the garment of piety is the best; this, [priority given to the garment of piety] is one of Allah's Admonishing lessons, that men may be Mindful.

صفارزاده	آربری	شاكر	مترجم واژگان
a garment	a garment	clothing	لباس
an adornment	feathers	beauty	ریشا
Piety	god fearing	guards (against evil)	تقوی

با توجه به این که **clothing** به معنای لباس و **garment** به معنای قطعه‌ای از لباس می‌باشد، به نظر می‌رسد استفاده از واژه «**clothing**» مناسب‌تر است. همچنین «**adornment**» معنای زینت و آراستگی را از سایر گزینه‌ها بهتر می‌رساند؛ واژه **beauty** به معنی زیبایی نیز بی‌مناسبت نیست؛ اما «**feather**» در اصل به معنی پر پرنده است که گرچه به عنوان زینت مورد استفاده برخی اقوام و افراد قرار می‌گرفته است، اما برای «ریشا» چندان مناسب به نظر نمی‌رسد.

«تقوی» از ماده «وقایه» به معنی نگهداری خویشتن است. در میان واژگان پیشنهادی، به نظر می‌رسد ترجمه شاكر (نگهداری در مقابل شر) و صفارزاده (رعایت ملاحظه و احترام نسبت به خدا و دین) به درستی معنای این واژه را منتقل کرده است، اما آربری واژه «**god fearing**» را برگزیده که به معنی زندگی اخلاقی در پرتو قواعد اخلاقی است و واضح است که این امر ناشی از رعایت تقوای الهی است نه خود تقوا.

1 - piece of clothing.

2 - to make sth/sb look more attractive by decorating it or them with sth.

۹- يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ ... (۳۱)

ای فرزندان آدم، جامه خود را در هر نمازی برگیرید...

شاکر:

O children of Adam! Attend to your embellishments at every time of prayer...

آربری:

Children of Adam! Take your adornment at every place of worship...

صفارزاده:

O, Children of `Adam! Take care about your adornment, [regarding Proper and clean garments] at every Place of worship...

صفارزاده	آربری	شاکر	مترجم واژگان
Place of worship	Place of worship	time of prayer	مسجد

در زبان عربی برخی ساخت‌های صرفی موجب ابهام در ترجمه می‌شوند. در اینجا کلمه «مسجد» می‌تواند اسم زمان یا مکان باشد که در صورت اول، مطلوبیت آراستگی در زمان عبادت و در صورت دوم، مطلوبیت آراستگی هنگام حضور در مسجد را یادآور می‌شود. (جواهری، ص ۹۹) همانگونه که ملاحظه می‌شود، آربری و صفارزاده این کلمه را قید مکان و شاکر قید زمان گرفته‌اند. در ترجمه‌های فارسی نیز همین تفاوت به چشم می‌خورد. اما از آنجا که دلیل قطعی برای ترجیح یکی از دو احتمال وجود ندارد، به نظر می‌رسد بهتر باشد طوری در ترجمه عمل شود که هر دو معنا را به نوعی برساند؛ مانند آنچه آقای گرمارودی انتخاب کرده‌اند: «ای فرزندان آدم! در هر نمازگاهی زیور خود را بردارید» چرا که پسوند «گاه» هم قید مکان و هم قید زمان می‌سازد.

ba*0<* a&_*)# \$! &' * !* \ *y <| <'! ! 0|| y3 ! vK \$ U %*5<* #8 * T\$ 1\$! * E&STRPQ

98Q7j -F' 1\$f qh ± -E! * e 4K<. 5 a

در حقیقت، کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و از [پذیرفتن] آنها تکبر ورزیدند، درهای آسمان را برایشان نمی‌گشایند و در بهشت در نمی‌آیند مگر آنکه شتر در سوراخ سوزن داخل شود. و بدینسان بزهکاران را کیفر می‌دهیم.

شاکر:

Surely(as for) those who reject Our Communications and turn away from them haughtily, the doors of heaven shall not be opened for them, nor shall they enter the garden until the camel pass through the eye of the needle And thus do We reward the guilt.

آربری:

Those that cry lies to Our Signs and wax proud against them the gates of heaven shall not be opened to them, nor shall they enter Paradise until the camel passes through the eye of the needle Even so We recompense the sinners.

صقارزاده:

Those who belied Our Signs and Miracles And rebelled against them, the gates of The heaven shall not be open to them Nor they shall enter the Paradise until The camel passes through the eye of The needle,] which is an impossible Act [; thus, do We recompense The sinners.

«جمل» از واژه‌های عربی است که در فرهنگ‌های لغت، دو معنا برای آن برای آن ذکر شده است: شتر نر و طناب ضخیم. (فراهیدی، ۱۴۳/۶) البته اغلب مترجمان - از جمله سه مترجم مورد نظر ما در این مقال - همان معنای شتر را در ترجمه آیه آورده‌اند؛ اما با این حال مترجمانی چون آقایان: خواجوی و پاینده، احیاناً به خاطر تناسب بیشتری که بین طناب ضخیم و سوراخ سوزن وجود دارد) معنای دوم را مناسب‌تر تشخیص داده‌اند. برخی نیز مانند آقایان مصباح‌زاده، اشرفی و یاسری هر دو احتمال را در ترجمه متذکر شده‌اند.

۱۱ - * 184 < w * 13 N p 4 q * - ? r h - * E S * t M s E S * o t * 6 T p 4 q * 2 % * - E ! 1 ± m h k \$ I B { 7 ' ۱۱

* 4/q 1 F7 9

و زمین پاک [و آماده]، گیاهش به اذن پروردگارش برمی‌آید و آن [زمینی] که ناپاک [و نامناسب] است [گیاهش] جز اندک و بی‌فایده بر نمی‌آید. این گونه، آیات [خود] را برای گروهی که شکر می‌گزارند، گونه‌گون بیان می‌کنیم.

شاکر:

And as for the good land, its vegetation springs forth (abundantly) by the permission of its Lord And (as for) that which is inferior (its herbage)

comes forth but scantily Thus do We repeat the communications for a people who give thanks.

آربری:

And the good land its vegetation comes forth by the leave of its lord and the corrupt (its herbage) it comes forth but scantily Even so We turn about the signs for a people that are thankful.

صفارزاده:

And the good land yields its vegetation Abundantly by the Will of its Creator and Nurturer, but from the bad Land does not come forth save bad and Scanty. Thus We explain Our Words of Revelation to the people who are Grateful for the blessings

صفارزاده	آربری	شاکر	مترجمین واژگان
explain	turn about	repeat	نصرف
Words of Revelation	signs	communications	الآیات

نصرف:

ابن منظور نوشته است: «وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ أَيْ بَيَّنَّاهَا. وَتَصْرِيْفُ الْآيَاتِ تَبْيِيْنُهُ. (ابن منظور، ۱۹۰/۹) بنابر این از میان سه ترجمه یادشده، ترجمه صفارزاده به معنای «بیان کردن و شرح دادن» از ترجمه شاکر به معنای «تکرار کردن» و آربری به معنای «برگرداندن» مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

آیات:

تفلیسی واژه «آیه» در قرآن را بر دو وجه دانسته است: عبرت و نشانه. (تفلیسی، ۵) البته معانی دیگری از قبیل «دلیل» و «معجزه» نیز برای آیه ذکر شده است؛ اما معنای اصلی و حقیقی آیه، همان علامت و نشانه است و معانی دیگر همه با معنای اصلی قابل جمع‌اند. (قرشی، ۱/۱۴۶) ارتباط معنای اصطلاحی «آیه» با معنی لغوی آن نیز روشن است؛ یعنی به قسمتی از کلمات قرآن که از محلی آغاز و به مقطعی ختم می‌شود، «آیه» گوئیم زیرا که از نشانه‌های خداوند است و بشر از آوردن نظیر آن عاجز می‌باشد. (همان)

از میان ترجمه‌های سه‌گانه، آربری معنی لغوی و صفارزاده معنی اصطلاحی (واژه‌های وحی) را برای «آیات» برگزیده‌اند؛ اما روشن نیست چرا شاکر کلمه «communication» (به معنی ارتباط و انتقال) را معادل «آیات» در نظر گرفته است! این انتخاب‌ها در آیه بعدی نیز به چشم می‌خورد؛ با این تفاوت که خانم صفارزاده دو معنی معجزه و نشانه را همزمان برای «آیات» در نظر گرفته است.

9 87f X 2 ' ! < 1 : VW #B kT < B! * ES #B \$! * = B \$: " ? L * ES * 1 # ' 6' 1 B % TRP ~

پس او را تکذیب کردند، و ما او و کسانی را که با وی در کشتی بودند نجات دادیم و کسانی را که آیات ما را دروغ پنداشتند غرق کردیم، زیرا آنان گروهی کور [دل] بودند.
شاکر:

But they called him a liar, so We delivered him and those with him in the ark, and We drowned those who rejected Our Communications Surely they were a blind people.

آربری:

But they cried him lies; so We delivered him, and those with him, in the Ark, and We drowned those who cried lies to Our Signs assuredly they were a blind people.

صفارزاده :

But they belied him, so We saved Him and those with him in the ship; And We drowned in the flood those Who belied Our Signs and Miracles: They were indeed a blind people [unable to see the Truth]

صفارزاده	آربری	شاکر	مترجمین واژگان
blind (unable to see the Truth)	blind	blind	عمین

توجه به «مجاز»های بکار رفته در قرآن یکی از ضرورت‌های ترجمه است. در این آیه شریفه، «عمین» جمع مذکر سالم از «عم» است که از «عمی» به معنی نابینایی مشتق شده و بطور مجازی بر فقدان بصیرت اطلاق گشته است. (ابن‌عاشور، ۱۹۸/۸) البته برخی مفسران گفته‌اند که «عمین» جمع «عمی» بر وزن «خشن»، صفت مشبّهه از ماده «عمی، یعمی» است و فرق «عمی» با «اعمی» این است

که «عمی» تنها کسی را می‌گویند که بصیرت نداشته باشد، و «اعمی» به کسی اطلاق می‌شود که چشم نداشته باشد. (طباطبایی، ۱۷۶/۸)

به هر صورت، قدر مسلم این است که در آیه شریفه، مقصود این نبوده که قوم نوح از نعمت چشم و بینایی ظاهری محروم بوده‌اند؛ بلکه آنچه موجب نزول عذاب و غرق تکذیب‌کنندگان شده است، بی‌بصیرتی ایشان بوده است. لذا برای رساندن این معنا در ترجمه، باید از توضیحات تفسیری داخل پرانتز استفاده کرد و خانم صفارزاده به این نکته توجه کرده است. البته مترجمان می‌توانستند از معادل «undiscerning» هم برای برگردان این واژه استفاده کنند.

• 9PP 7j N*\$1 h # T←' 6! # ST\$ / ! ! ' X+ " G* Y < * * RP

و ساحران نزد فرعون آمدند [و] گفتند: «[آیا] اگر ما پیروز شویم برای ما پاداشی خواهد بود؟ در این آیه شریفه، جمله «إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا...» استفهامی است که برای تاکید به صورت خبری آمده یا آنکه همزه استفهام آن حذف شده است. (طباطبایی، ج ۸، ص ۲۱۵) این مطلب را قرائت تنی چند از قرآء سبعة یعنی: حمزه، کسائی و عاصم به روایت ابوبکر تأیید می‌کند که با دو همزه یعنی: «ء آمتتم» خوانده‌اند. (شریعت، ص ۲۴۹) این نکته‌ای است که اغلب مترجمان فارسی به آن دقت داشته‌اند؛ اما در میان مترجمان سه‌گانه مورد نظر ما، فقط آربری با قرار دادن علامت پرسشی (؟) به آن توجه نموده است. شبیه این مورد، در چند آیه دیگر مانند آیه ۸۱ و ۱۲۳ نیز اتفاق افتاده است که به جهت رعایت اختصار، از نقل آنها صرفنظر گردید.

Ta5 q\$* a- Y* %& # +; '* * #D # * +: ' ST > \$ / ! \$ & ' ! : VW \$! t * : W- ' ! ! ! B S* RP8

9P8 7

و چون انگشت ندامت گزیدند و دانستند که واقعاً گمراه شده‌اند گفتند: «اگر پروردگار ما به ما رحم نکند و ما را نبخشاید قطعاً از زیانکاران خواهیم بود.»

شاکر:

And when they repented and saw that they had gone astray, they said: If our Lord show not mercy to us and forgive us, we shall certainly be of the losers.

* به جهت آنکه در این مورد، واژه‌ای مورد بررسی قرار نگرفت، از نقل کامل ترجمه‌ها و رسم جدول صرفنظر شد.

آربری:

And when they smote their hands, and saw that they had gone astray, they said, If our Lord has not mercy on us, and forgives us not, surely we shall be of the lost.

صفارزاده:

And when they felt remorseful and Realized that they had gone astray, They said:" If our Creator and Nurturer Does not bestow mercy upon us and Does not forgive us, we shall certainly Be of the losers."

صفارزاده	آربری	شاکر	مترجمین واژگان
they felt remorseful	smote their hands	they repented	سُقَطَ فِي اَيْدِيهِمْ

یکی از نکاتی که باید مورد توجه مترجمان قرار گیرد، دقت در ترکیبات و اصطلاحات زبان مبدأ است. نمونه‌ای از این امر را در عبارت «سُقَطَ فِي اَيْدِيهِمْ» مشاهده می‌کنیم که اصطلاحی است در زبان عربی کنایه از پشیمانی و ندامت شدید. تستری گوید: «یعنی ندموا، يقال: سقط الرجل في يديه إذا ندم على أمر» (۶۷/۱) و ابوالفتوح رازی می‌نویسد: «این عبارتی است و کنایتی از پشیمانی بر سبیل مبالغت» (۴۰۸/۸) بنابراین به نظر می‌رسد بهترین ترجمه از میان سه ترجمه مذکور، متعلق به خانم صفارزاده باشد که «احساس پشیمانی» را به عنوان معادل این اصطلاح برگزیده است. ترجمه شاکر (توبه) نیز نادرست نیست؛ گرچه دقیق هم نیست. اما ترجمه آربری صرفاً تحت اللفظی است (دست‌هایشان را زدند) و معنای روشنی ندارد.

9 7 4T * 1 YG^b<ā * 2# * 4D<-u * ā #w 1\$<* R

و برای ما در این دنیا نیکی مقرر فرما و در آخرت [نیز]، زیرا که ما به سوی تو بازگشته‌ایم...

شاکر:

And ordain for us good in this world's life and in the hereafter, for surely we turn to Thee...

آربری:

And prescribe for us in this world good, and in the world to come; we have repented unto Thee...

صفارزاده:

O, our Creator and Nurturer! Ordain for us in this world what is Good and in the Hereafter as well. We have been guided to You...

صفارزاده	آربری	شاکر	مترجمین واژگان
We have been guided to You	we have repented unto Thee	we turn to Thee	أنا هُدىنا إليك

در این عبارت شریفه نیز با یک نکته صرفی مواجهیم که لغزش‌گاه برخی مترجمان بوده است. «هُدنا» از ریشه «هاد یهود» به معنی «تاب و رجوع» است نه از «هدی یهدی»! یعنی در واقع اجوف و اوی است نه ناقص یائی. بنابراین در ترجمه آن باید گفته شود: ما به سوی تو بازگشته‌ایم؛ آنچنانکه شاکر و آربری گفته‌اند. و ترجمه به «هدایت یافته‌ایم» اشتباه است.

نتیجه‌گیری

با بررسی ۱۵ مورد از واژگان مهم و لغزش‌گاه‌های ترجمه در سوره مبارکه اعراف، در یک نگاه کلی و به‌عنوان مقایسه‌ای غیرفراگیر می‌توان گفت ترجمه مرحوم طاهره صفارزاده، با صرف‌نظر از برخی موارد، با توجه به دقت قابل تقدیر در معادل‌گزینی و رساندن مفهوم آیات و به‌واسطه توضیحات مفیدی که با الهام از تفاسیر، به ترجمه آیات افزوده است، در مجموع موفق‌ترین ترجمه انگلیسی قرآن در بین ترجمه‌های مورد نظر به حساب می‌آید؛ هرچند گاهی از ایجاز فاصله گرفته و توضیحات اضافی باعث شده که ترجمه یک آیه کوتاه گاهی به سه برابر خود آن آیه، افزایش یابد، ولی به هر حال ترجمه ایشان منعکس‌کننده تتبعی فراوان، اطلاعاتی گسترده از حوزه تفسیر و تلاشی درخور تحسین است.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم با ترجمه آقایان: فولادوند، آیتی، انصاری، انصاریان، اشرفی، الهی قمشه‌ای، بروجردی، پورجوادی، سراج، قرایی، گرمارودی، محمدسرور، مصباح‌زاده، مکارم شیرازی، یاسری و خانم صفارزاده.
- ۲- ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر والتنویر*، تونس، الدار التونسیه للنشر، ۱۹۸۴م.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- ۴- بلخی، مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل*، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
- ۵- تستری، ابو محمد سهل بن عبدالله، *تفسیر تستری*، تحقیق محمد باسل عیون السّود، بیروت، منشورات محمد علی بیضون / دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ق.
- ۶- تغلیسی، حبیب بن ابراهیم، *وجوه قرآن*، به اهتمام دکتر مهدی محقق، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ش.
- ۷- جفری، آرتور، *واژگان دخیل در قرآن مجید*، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات توس، ۱۳۸۵ش.
- ۸- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸ش.
- ۹- جواهری، سید محمد حسن، *درسنامه ترجمه*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸ش.
- ۱۰- حقی بروسوی، اسماعیل، *تفسیر روح البیان*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ۱۱- رازی، ابوالفتح حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان*، تحقیق محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
- ۱۲- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف*، تصحیح مصطفی حسین احمد، قم، نشر البلاغه، ۱۴۱۵ق.
- ۱۳- شریعت، محمد جوادی، *چهارده روایت در قرائت قرآن مجید*، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ش.
- ۱۴- صباغ، ت، *پوشش‌های گفتاری در قرآن*، ترجمه سید محمد حسین مرعشی، تهران انتشارات نگاه معاصر، ۱۳۸۵ش.
- ۱۵- طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.

- ۱۶- طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- ۱۷- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
- ۱۸- طوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه شیخ آقابزرگ طهرانی و تحقیق احمدقصیرعاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۱۹- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق.
- ۲۰- قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ش.
- ۲۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق ندیم مرعشلی، بیروت، دار الکاتب العربی، ۱۳۹۲ق.
- ۲۲- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، تفسیر سورآبادی، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰ش.
- ۲۳- مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر مراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۲۴- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ش.
- ۲۵- مظهری، محمد ثناء الله، تفسیر مظهری، تحقیق غلام نبی تونسلی، پاکستان، مکتبه رشدی، ۱۴۱۲ق.

- 26- Arberry, J Arthur. 1994. English translation of the holy Quran .Qom: Ansarian.
- 27- Oxford dictionary: Oxford University Press, 1995-2002 .
- 28- Saffarzadeh, T. ,Tr .2001 . The holy Quran, Tehran: honar bidari publication.
- 29- Shakir, M.H.,. The holy Quran .New York: Tahrike Tarsile Quran.
- 30- Webster's Revised Unabridged Dictionary, 1913, edited by Noah Porter.